



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۱۷)

اشتغال و ابعاد اهمیت آن

تهیه شده در:

سازمان اقتصادی

مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶



پیشگفتار

به منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقمندان با مفاهیم اقتصادی و به‌کارگیری صحیح این موارد در تحلیل‌های اقتصادی، ایده تهیه و ارائه بروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادی اتاق ایران طرح گردید و توسط مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی به اجرا درآمد. نسخه پیش‌رو، هفدهمین خروجی این ایده می‌باشد. به منظور بهبود نسخه‌های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل research-center@iccim.ir مرکز تحقیقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

اهمیت مساله اشتغال

در حال حاضر مسئله اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر یکی از مهمترین و اساسی‌ترین نیازهای جوامع و از اهداف توسعه پایدار در اغلب کشورها محسوب می‌شود. مطالعات مختلف گویای این حقیقت هستند که مولفه اشتغال دارای ۱۷ کارکرد در جوامع می‌باشد. نکته حائز اهمیت این است که از میان کارکردهای مطرح شده برای مقوله اشتغال، تنها دو مولفه افزایش تولید و کسب دستمزد جنبه اقتصادی دارند و سایر کارکردهای اشتغال دارای وجوه و ابعاد غیراقتصادی می‌باشند. بنابراین اهمیت مسئله اشتغال به حدی است که برخورد سهل‌انگارانه و سطحی‌نگر به آن می‌تواند منشاء بروز بحران‌های بزرگ در کشورها باشد. نقطه مقابل موضوع اشتغال، پدیده بیکاری است؛ به نحوی که یکی از دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و فراهم کردن زمینه‌های مناسب در راستای توسعه اشتغال می‌باشد. بررسی‌های متعدد نشان می‌دهند که بخش اعظم ناهنجاری‌های اجتماعی شناخته شده در سطح دنیا به گونه‌ای به مسئله بیکاری مرتبط می‌باشند. از اینرو الزامیست به منظور رفع این معضل، سیاستگذاری‌های مناسبی جهت اشتغالزایی و بهره‌برداری کارآمد از منابع انسانی هر کشور صورت گیرد.

بازار کار

اشتغال متغیری است که از طریق تعادل در بازار کار حاصل می‌شود، لذا با توجه به اینکه بازار کار از یک سو تحت تاثیر سایر بازارها و بخش‌های اقتصادی قرار دارد و از سوی دیگر نیز میزان بیکاری و اشتغال در بازار کار بر میزان نابرابری، فقر و محرومیت، سلامتی و بهداشت، آسیب‌های روانی، جرم و ناآرامی سیاسی در هر جامعه موثر است، بنابراین قدم اول برای رفع مسئله بیکاری و ایجاد اشتغال در هر کشور، شناخت درست از بازار کار است.

بازار کار یکی از مهمترین بازارها در اقتصاد است که به لحاظ ارتباط مستقیم با منابع انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و همواره مورد توجه دولت و سیاستگذاران می‌باشد. در واقع بازار کار عرصه تعامل کارگزاران اقتصادی و بازیگران اجتماعی است که هر کدام در این عرصه نقش‌های متعددی را ایفا می‌نمایند و برآیند این نقش‌آفرینی‌ها، به گردش درآمدن چرخه فعالیت‌های اقتصادی، شکل‌گیری کسب‌وکارها، کسب سود و ایجاد فرصت‌های شغلی است. بازار کار در اقتصاد همانند هر بازار دیگری دارای دو طرف عرضه و تقاضای نیروی کار است که از تعامل این دو رکن، سطح اشتغال تعیین می‌شود.

همانطور که ذکر شد یکی از ارکان بازار کار، **عرضه نیروی کار** است که این رکن بیانگر مقدار نیروی کاری است که کارگران در میزان مشخصی از حقوق و دستمزد و در یک دوره زمانی معین تمایل به ارائه آن دارند. اصولاً مقدار نیروی کار عرضه شده در یک اقتصاد تحت تاثیر عوامل متعددی از قبیل حقوق و دستمزد، جمعیت در سنین فعالیت، درآمدهای غیرکاری، سواد و تخصص، وضعیت تاهل، بُعد خانوار و پویایی اقتصاد (سطح تولید، نرخ رشد، رونق و رکود) قرار دارد که هر کدام از عوامل مذکور می‌توانند در کمیت و کیفیت نیروی کار موثر باشند.

بخش دیگر بازار کار، **تقاضای نیروی کار** است که این رکن بیانگر حداکثر مقدار نیروی کاری است که کارفرما تمایل دارد در هر نرخ دستمزد معین و در یک دوره زمانی مشخص به استخدام آن بپردازد. تقاضا برای نیروی کار به عنوان عاملی از تولید، یک تقاضای مشتقه است؛ به این معنا که ابتدا باید تحولاتی در سایر عرصه‌های حیات جمعی اتفاق بیفتد و وضعیت اقتصادی و تولیدی کشور از کارکرد خوبی برخوردار باشد تا به دنبال این تحولات، تقاضا برای نیروی کار

شکل بگیرد. به بیان ساده‌تر تقاضا برای نیروی کار را می‌توان نشأت گرفته از تقاضا برای محصولات یک بنگاه یا موسسه در نظر گرفت. با توجه به اینکه مصرف‌کنندگان طیف متنوعی از کالاها و خدمات را تقاضا می‌کنند، لذا بنگاه‌ها به منظور پاسخگویی به تقاضای خریداران محصولات و فرآورده‌های خود، به استخدام کارگران می‌پردازند. درحقیقت بنگاه‌ها واسطه‌هایی هستند که کارگران را برای تولید محصولات استخدام می‌کنند تا بتوانند محصولات تولید شده را به دست مصرف‌کنندگان برسانند. بنابراین تقاضای بنگاه‌ها برای استخدام نیروی کار، تقاضایی مشتق شده از خواست و تقاضای مصرف‌کنندگان است.

بازار کار به عنوان حلقه ارتباطی میان طرف عرضه و تقاضای نیروی کار، نقش مهمی در به تعادل رساندن اقتصاد دارد به نحوی که برقراری تعادل در این بازار سبب ایجاد اشتغال می‌شود. درواقع پیامدها و آثار مثبت فراوان اقتصادی- اجتماعی برقراری تعادل در بازار کار به نحوی است که همواره مورد توجه اقتصاددانان و سیاستگذاران است. نکته حائز اهمیت دیگر این است که وجود عامل انسانی در عرضه و تقاضای این بازار، سبب متمایز شدن بازار کار از سایر بازارها شده است. چراکه نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل تولید است که از طریق مشارکت در تولید، نقش برجسته‌ای در روند تولید ایفا می‌نماید؛ به نحوی که به جرأت می‌توان گفت رمز پیشرفت جوامع موفق، برنامه‌ریزی صحیح و متکی بر اصول و ضوابط علمی نیروی انسانی کارآمد است. بنابراین در اکثر کشورها، برنامه‌ریزی و فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترهای مناسب جهت بهره‌برداری کامل و متناسب از منابع انسانی در برنامه‌های توسعه از مسائل مهم و کلیدی است.

مفاهیم و اصطلاحات بازار کار

با توجه به اینکه بازار کار در تنظیم روابط بین عرضه و تقاضای نیروی کار و برقراری تعادل در متغیرهای کلان اقتصادی از جمله اشتغال و بیکاری جایگاه ویژه‌ای دارد، لذا برای شناخت درست این بازار، ابتدا لازم است که با برخی از مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با بازار کار آشنا شویم که در ادامه به این مهم پرداخته می‌شود.

۱. **جمعیت فعال اقتصادی:** تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در هفته مرجع^۱ طبق تعریف کار^۲، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده‌اند (بیکار جویای کار)، جمعیت فعال اقتصادی محسوب می‌شوند. در واقع منظور از جمعیت فعال همان جمعیت شاغل و بیکار بوده که تشکیل دهنده طرف عرضه بازار کار هستند.

۲. **جمعیت غیرفعال اقتصادی:** تمامی افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، در هیچ یک از دو گروه شاغلان و بیکاران قرار نمی‌گیرند، جمعیت غیرفعال اقتصادی محسوب می‌شوند.

۳. **جمعیت شاغل:** به کلیه افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کارشان را ترک کرده باشند، جمعیت شاغل می‌گویند. شاغلان به طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق بگیران و خود اشتغالان هستند.

۴. **جمعیت بیکار:** منظور از بیکار کسی است که قادر به پیدا کردن شغل در شرایط اقتصادی موجود نمی‌باشد و جمعیت بیکار به کلیه افراد ۱۰ ساله و بیشتر اطلاق می‌شود که:

۱،۴. در هفته مرجع فاقد کار باشند (دارای اشتغال مزدبگیری یا خود اشتغالی نباشند).
 ۲،۴. در هفته مرجع و یا هفته بعد از آن آماده برای کار باشند (برای اشتغال مزدبگیری یا خود اشتغالی آماده باشند).

۳،۴. در هفته مرجع و سه هفته قبل از آن جویای کار باشند (اقدامات مشخصی را به منظور جست‌وجوی اشتغال مزدبگیری یا خود اشتغالی به عمل آورده باشند).

لازم به ذکر است افرادی که به دلیل آغاز به کار در آینده و یا انتظار بازگشت به شغل قبلی جویای کار نبوده، ولی فاقد کار و آماده برای کار بوده‌اند نیز جزء جمعیت بیکار محسوب می‌شوند.

۵. **اشتغال ناقص:** افراد دارای اشتغال ناقص عبارتند از تمام شاغلانی که در هفته مرجع، حاضر در سرکار یا غایب موقت از محل کار بوده و به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیرکاری و غیره، کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده،

^۱ هفته تقویمی قبل از هفته آمارگیری

^۲ آن دسته از فعالیتهای اقتصادی که به منظور کسب درآمد صورت پذیرد و هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمت باشد، کار محسوب می‌شود.



خواهان و آماده برای انجام کار اضافی بوده‌اند.

شاخص‌های کلیدی بازار کار

با توجه به اینکه شرایط بازار کار یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین عوامل اقتصادی- اجتماعی محسوب می‌شود که تاثیر ملموس و آشکاری در سطح توسعه‌یافتگی و رفاه دارد، لذا چگونگی وضعیت این بازار به خوبی می‌تواند گویای سطح پیشرفت و توسعه‌یافتگی جوامع باشد. برای بررسی و تحلیل بازار کار در جوامع مختلف، شاخص‌های متعددی وجود دارد که اهم این شاخص- ها به شرح ذیل می‌باشند:

۱. نرخ مشارکت نیروی کار: نرخ مشارکت نیروی کار از مهم‌ترین شاخص‌های بخش عرضه بازار کار تلقی می‌شود که از طریق نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) در بازار کار به جمعیت در سن کار محاسبه می‌گردد. این شاخص اندازه‌نمایی عرضه کار آماده برای تولید کالا و خدمات را نشان می‌دهد و یک شاخص تجمعی است که تابعی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور می‌باشد.

در بررسی وضعیت بازار کار، هرچه این نرخ بالاتر باشد، آن جامعه از سطوح رفاه بالاتری برخوردار است و به طور معمول کمتر کشور پیشرفته‌ای را می‌توان یافت که دارای نرخ پایین مشارکت نیروی کار باشد. در واقع پایین بودن نرخ مشارکت بیانگر این است که درصد قابل توجهی از جمعیت در سن کار از گروه جمعیت فعال کشور خارج شده‌اند و به دنبال فعالیت‌های تولیدی نیستند.

۲. نرخ بیکاری: نرخ بیکاری معروف‌ترین و به یقین پرکاربردترین شاخص بازار کار در اکثر کشورها است که تصویری از وضعیت اشتغال در هر کشور را نمایان می‌سازد. این شاخص از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (کلیه کسانی که در بازار کار حضور دارند، اعم از بیکار و شاغل) به دست می‌آید و نشان دهنده نسبتی از نیروی کار است که دارای شغل نبوده و به طور فعال به دنبال کار می‌گردند. نکته حائز اهمیت این است که این نرخ برای گروه‌های جمعیتی با توجه به ویژگی‌های سنی، جنسی و شغلی تعریف می‌شود.



۳. نرخ بیکاری جوانان: این شاخص از نسبت جمعیت بیکار ۲۴-۱۵ ساله (۲۹-۱۵ ساله) به جمعیت فعال در همین گروه سنی بدست می‌آید. امروزه پرداختن به مساله بیکاری جوانان و نیروی کار فاقد مهارت، از دغدغه‌های مهم سیاستگذاران و برنامه‌ریزان محسوب می‌شود.

۴. نرخ بیکاری زنان: این نرخ از دیگر شاخص‌های مهم بازار کار است که از نسبت جمعیت بیکار زنان به جمعیت فعال زنان حاصل می‌گردد. در واقع با توجه به اینکه زنان تقریباً نیمی از جمعیت هر کشور را تشکیل می‌دهند، لذا حضور این دسته از نیروی انسانی در بازار کار می‌تواند از طریق شرکت در فعالیتهای اقتصادی و تولیدی، بر میزان رشد، رفاه و توسعه تاثیرگذار باشد.

۵. سهم اشتغال بر حسب بخش‌های اقتصادی: این شاخص اشتغال را به سه بخش عمده کشاورزی، صنعت و خدمات تقسیم نموده و هر کدام از آنها را به صورت درصدی از اشتغال کل ارائه می‌دهد. در واقع این شاخص چگونگی توزیع اشتغال در بخش‌های اقتصادی را نشان می‌دهد.

نکته حائز اهمیت این است که اغلب در تحلیل‌های بررسی وضعیت بازار کار، صرفاً نرخ بیکاری مورد توجه قرار می‌گیرد؛ این در حالیست که نرخ بیکاری به دلیل دارا بودن محدودیت‌هایی از قبیل عدم ارائه اطلاعات در خصوص نوع بیکاری و مدت زمان آن، مغفول ماندن بیکاری زنان و جوانان و مسائلی از این دست، به تنهایی قادر به ارائه تصویری واقعی از بازار کار و شرایط آن نیست. بنابراین در تحلیل وضعیت بازار کار، تکیه صرف بر نرخ بیکاری منجر به دور شدن از تصویر حقیقی بازار کار و غافل شدن سیاستگذاران از تبعات و اثرات نامطلوب بیکاری در جامعه می‌شود. لذا برای جلوگیری از این امر، لازم است که در تحلیل بازار کار، سایر شاخص‌های موجود نیز مورد توجه قرار گیرند.

انواع بیکاری

بیکاری پدیده‌ای است که به دنبال عدم برقراری تعادل در بازار کار، در جامعه بروز می‌کند و به معنای فرصت‌های از دست‌رفته‌ای است که می‌توانست به افزایش تولید منجر شود. وجود بیکاری در جامعه اثرات و تبعات قابل توجهی به دنبال دارد و باعث بروز بی‌ثباتی‌های متعددی در

زمینه‌های گوناگون می‌شود. یکی از مهمترین تبعات وجود بیکاری در جامعه، بروز پدیده فقر است که این پدیده منجر به بی‌ثباتی‌های اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی در کشورها می‌شود. بیکاری انواع مختلفی دارد که در یک تقسیم‌بندی کلی به چهار نوع زیر قابل تقسیم است:

۱. بیکاری ساختاری^۱: نوعی از بیکاری که نگرانی‌های زیادی را به وجود آورده و مباحث سیاسی را تحت الشعاع قرار داده است، بیکاری ساختاری می‌باشد. منظور از بیکاری ساختاری، بیکاری است که از تعدیل بازار کار به سبب تغییرات عمده در اقتصاد ایجاد می‌شود. به بیان دیگر، این نوع بیکاری به واسطه تغییر در ترکیب عرضه و تقاضای نیروی کار به علت عدم وجود تطابق میان مهارت‌های مورد نیاز مشاغل موجود و مهارت‌های ارائه شده توسط کارگران متقاضی شغل بروز می‌کند. لازم به ذکر است که عدم تطابق جغرافیایی میان فرصت‌های شغلی ارائه شده و نیروی کار در جست‌وجوی شغل نیز یکی دیگر از عوامل شکل‌گیری بیکاری ساختاری در جامعه است. به عنوان مثال وقتی که تکنولوژی تولید ارتقاء یافته و تغییر می‌کند و یا هنگامی که رقابت بین‌المللی، مهارت‌های لازم برای مشاغل را تغییر می‌دهد یا موجب تغییر مکان شغل‌ها می‌شود، عده‌ای به دلیل نداشتن مهارت کافی و عدم آشنایی با فناوری جدید و یا به دلیل اصرار بر ماندن در محل قبلی خود بیکار می‌شوند که به آن بیکاری ساختاری می‌گویند.

۲. بیکاری اصطکاکی^۲: بیکاری است که از رفت و برگشت طبیعی نیروی کار به بازار کار به وجود می‌آید. از میان تعداد زیاد نیروی کار که در اقتصاد وجود دارند، همیشه تعدادی شغل خود را رها می‌کنند و به جست‌وجوی شغل بهتر می‌پردازند. لذا در هر مقطعی از زمان، تعدادی از این افراد شغل دلخواه خود را پیدا کرده و در حال خارج شدن از زمره بیکاران هستند و عده دیگری از نیروی کار تازه شغل خود را رها کرده و در حال پیوستن به بیکاران هستند تا در فرصت مناسب شغل دلخواه خود را بدست آورند. لذا این وضعیت منجر به یک رفت و برگشت طبیعی به بازار کار می‌شود و این جریان ورودی و خروجی افراد، انباره‌ای از بیکاری را برجای می‌گذارد که به آن بیکاری اصطکاکی می‌گویند. در واقع این نوع از بیکاری، نتیجه فرآیند طبیعی تطابق سلیقه، تخصص‌ها و علایق کارگران با شغل‌های متفاوت می‌باشد.

¹ Structural Unemployment

² Frictional Unemployment

۳. **بیکاری ادواری ناشی از کافی نبودن تقاضا:** بیکاری ادواری نوعی از بیکاری است که علت اصلی آن کاهش در تقاضای کل می‌باشد. در واقع بیکاری مذکور حاصل رکود، عدم رونق و همچنین نتیجه کمبودهایی در تقاضای کل است که بنگاه‌ها را وادار به خارج و بیرون کردن کارگران می‌کند. به عبارت دیگر، این نوع از بیکاری در دوره‌های کساد و رکود به وجود می‌آید و در دوره‌های رونق و انبساط از بین می‌رود.

۴. **بیکاری فصلی:** نوعی از بیکاری است که در نتیجه پایین آمدن سطح فعالیت‌های اقتصادی در برخی از بخش‌های معین اقتصادی و در فصول ویژه‌ای از سال رخ می‌دهد. به عنوان مثال در فصل زمستان که فعالیت‌های کشاورزی و ساختمان‌سازی کاهش می‌یابد، بیکاری فصلی در جامعه بروز می‌کند.

بررسی وضعیت بازار کار در ایران

تجربه کشورهای صنعتی نشان می‌دهد که برای دستیابی به توسعه همه جانبه، بهره‌گیری بهینه از سرمایه‌های مادی و انسانی ضروری است. این درحالیست که با وجود اینکه در برنامه‌های توسعه کشور و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به مساله استفاده بهینه از نیروی کار توجه ویژه‌ای شده است، اما نگاهی به وضعیت کشور گویای این است که مسئله اشتغال‌زایی و ایجاد اشتغال پایدار مغفول مانده است. یکی از دلایل اصلی وضعیت نامناسب اشتغال کشور، اقتصاد تک محصولی، ناپایداری تولید و کیفیت پایین آن در کشور است. علی‌رغم اینکه در چند دهه اخیر رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در همه اقتصادهای پویا و رقابتی مبتنی بر تولیدات صنعتی و خدمات پشتیبان آن بوده است، اما همواره رشد اقتصادی در کشورمان متکی بر فروش منابع طبیعی و تولیدات با ارزش افزوده پایین بوده است.

نگاهی به آمارها نشان می‌دهد که در شش ماهه اول سال ۱۳۹۵، سهم صادرات نفتی از کل صادرات تقریباً ۶۵ درصد بوده و در ده ماهه سال ۱۳۹۵ نیز سهم میعانات گازی، پتروشیمی و گاز طبیعی از کل صادرات غیرنفتی حدود ۵۳ درصد بوده است که آمارهای مذکور تأییدی بر وابستگی بالای اقتصاد به نفت و فرآورده‌های نفتی است. درواقع تک محصولی بودن اقتصاد

¹ Cyclical Unemployment or Demand Deficient Unemployment

² Seasonal Unemployment

کشور و اتکای آن بر تولیدات مواد خام و با ارزش افزوده پایین، نابسامانی و ناپایداری وضعیت تولیدی کشور را به دنبال داشته که نتیجه این امر، به صورت کاهش مشارکت نیروی کار در پروسه تولید نمود یافته است. این یک مسئله بدیهی است که در صورت فراهم نبودن فضا برای عرض اندام بخش‌های تولیدی، فرصت‌های شغلی مولد و پایدار نیز به وجود نمی‌آیند.

آمارها نیز تأکیدی بر تحلیل ارائه شده است. بر اساس نتایج «طرح آمارگیری از نیروی کار پاییز ۱۳۹۵» که در جدول (۱) قابل مشاهده است، نرخ مشارکت اقتصادی در فصل پاییز ۱۳۹۵ برای کل کشور تنها حدود ۳۸,۹ درصد بوده و نسبت به فصل قبل حدود ۱,۴ درصد کاهش یافته است. در واقع آمار مذکور گویای این است که میزان توانمندی در کشور برای مدیریت و بهره‌مندی از دارایی‌های انسانی موجود پایین است که این مسئله به دنبال خود تبعاتی از قبیل تولید کمتر، سطح برخورداری، رفاه و خرسندی پایین‌تری را برای جامعه به ارمغان آورده است.

در بررسی نرخ مشارکت اقتصادی بر اساس جنسیت شاهد این مسئله هستیم که میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی به عنوان نیروی کاری که تقریباً نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، بسیار کم است؛ به طوری که این نرخ برای زنان معادل ۱۴,۳ درصد و برای مردان معادل ۶۳,۸ درصد می‌باشد. در واقع این آمار نشان می‌دهد که میزان مشارکت اقتصادی زنان در کشور در مقایسه با جمعیت آنها در جامعه در حد پایینی قرار دارد و این مسئله یکی از مهمترین نقاط ضعف بازار کار کشور محسوب می‌باشد. لذا برای بهبود وضعیت کنونی کشور لازم است که مسئله مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی، در زمره اهداف توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور قرار گیرد.

شاخص دیگری که برای بررسی وضعیت بازار کار مورد استفاده قرار می‌گیرد، نرخ بیکاری است. براساس جدول (۱) نرخ بیکاری در فصل پاییز ۱۳۹۵ معادل ۱۲,۳ درصد بوده و نسبت به پاییز ۱۳۹۴، به میزان ۱,۵ درصد افزایش یافته است. در واقع آمار مذکور گویای این حقیقت است که بالا بودن نرخ بیکاری، یکی از مهم‌ترین معضلات فعلی اقتصاد ایران می‌باشد.

برای بررسی بهتر وضعیت فعلی بیکاری در کشور، می‌توان نرخ بیکاری را براساس سه مقوله جنسیت، سن و سطح تحصیلات مورد سنجش قرار داد. ارزیابی وضعیت بیکاری در کشور بر



اساس جنسیت گویای این است که علی‌رغم اینکه زنان همواره حدود نیمی از جمعیت کشور و همچنین نیمی از جمعیت در سن کار را تشکیل می‌دهند، اما سهم آنها از بازار کار تفاوت معناداری با سهم مردان از این بازار دارد؛ به نحوی که مطابق با جدول (۱) در فصل پاییز ۱۳۹۵ نرخ بیکاری زنان حدود ۲۰,۴ درصد و نرخ بیکاری مردان معادل ۱۰,۴ درصد بوده است.

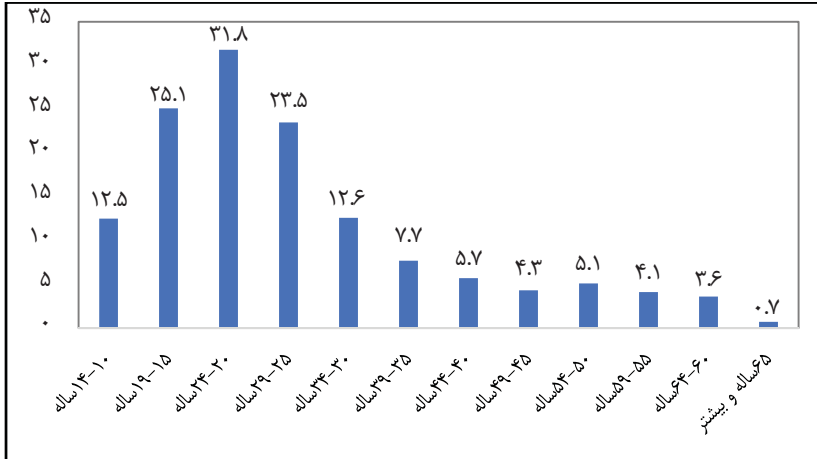
جدول (۱): شاخص‌های نیروی کار در فصل پاییز ۱۳۹۵ (درصد)

نرخ بیکاری	نرخ مشارکت اقتصادی	شاخص‌ها
۱۲,۳	۳۸,۹	کل کشور
۱۰,۴	۶۳,۷	مردان
۲۰,۴	۱۴,۳	زنان

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۳۹۵.

بررسی ترکیب سنی جمعیت بیکار کشور در نمودار (۱) نیز نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در گروه سنی جوانان بسیار بیشتر از سایر گروه‌های سنی است؛ به طوری که بیشترین نرخ بیکاری مربوط به گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله و معادل ۳۱,۸ درصد است. بالا بودن نرخ بیکاری در میان جوانان باعث می‌شود که آنها قادر به مشارکت موثر در توسعه ملی نباشند و فرصت‌های کمتری برای احقاق حقوق شهروندی خود یابند. از دیگر اثرات منفی بیکاری گسترده جوانان این است که این قشر از جامعه کمتر مصرف می‌کنند، کمتر سرمایه‌گذاری می‌کنند و کمتر پس‌انداز می‌کنند و اغلب هیچ قدرتی در خصوص ایجاد تغییر در زندگی و اجتماع خود ندارند. تردیدی وجود ندارد که بیکاری جوانان علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، به طور قطع پیامدهای ناگوار اجتماعی و سیاسی را نیز به دنبال خواهد داشت و عدم توجه به اشتغال این قشر از جامعه می‌تواند منجر به ایجاد گسترش روز افزون بحران‌های دیگری از جمله سرخوردگی، اعتیاد، مهاجرت، خودکشی و مواردی از این دست گردد. با توجه به اینکه جمعیت جوان با سهمی حدود ۳۰ درصد، قسمت قابل توجهی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهد، لذا ضروری است که اشتغال‌زایی به ویژه برای جوانان در دستور کار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور قرار گیرد.

نمودار (۱): نرخ بیکاری بر حسب گروه‌های سنی در فصل پاییز ۱۳۹۵ (درصد)

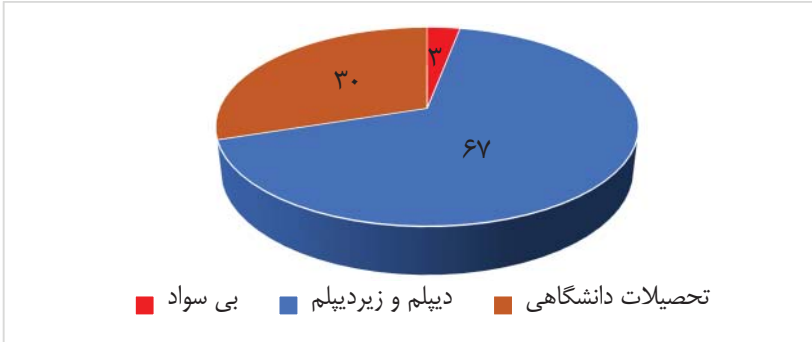


منبع: مرکز آمار ایران، نتایج طرح آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۳۹۵

بررسی وضعیت جمعیت بیکار کشور براساس سطح تحصیلات، حاکی از نابسامانی اوضاع کشور است. مطابق نمودار (۲)، طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴ حدود ۳۰ درصد از نیروی کار دارای تحصیلات دانشگاهی در کشور، نتوانسته‌اند شغل مناسب خود را پیدا کنند و بیکار مانده‌اند. در واقع این آمار نشان می‌دهد که نرخ بالای بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، یکی دیگر از مهمترین ویژگی‌های بازار کار ایران محسوب می‌شود. در توضیح این مساله می‌توان به چارچوب نهادهای غیرمولد که تناسبی با بهره‌گیری از علم و دانش ندارد، اشاره داشت. در چنین چارچوب نهادهای، بنگاه‌ها تقاضایی برای دانایی ندارند و برخورداری‌ها با مکانیسم‌های دیگری حاصل می‌شود. زمانی که نظام پاداش‌دهی، فعالیت‌های سوداگری و دلالی را تشویق نماید، تقاضایی برای دانش و علم هم وجود نخواهد داشت. بنابراین عجیب نخواهد بود که تمایلی به جذب تحصیل‌کردگان دانشگاهی وجود نداشته باشد. در کنار چارچوب نهادهای ناکارآمد و غیرمولد، کیفیت دانشگاه‌ها و آموزش عالی نیز چندان مبتنی بر نیاز بازار نیست که این مساله هم مشکلات فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را دوچندان می‌کند.



نمودار (۲): متوسط سهم گروه‌های تحصیلی از جمعیت بیکار طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴ (درصد)



منبع: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، بولتن بررسی مسائل روز اقتصاد ایران، گزارش "ضرورت نگاهی عمیق‌تر به نرخ بیکاری و کاستی‌های آن"، اسفند ۱۳۹۵.

شاخص دیگری که به خوبی وضعیت بازار کار را نشان می‌دهد، شاخص سهم اشتغال بر حسب بخش‌های اقتصادی است. با توجه به جدول (۲)، نگاهی به وضعیت اشتغال در بخش‌های اقتصادی نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر بیشترین سهم اشتغال در بخش خدمات و کم‌ترین سهم در بخش کشاورزی بوده و سهم اشتغال در بخش صنعت تغییرات چندانی نکرده است. همچنین نتایج "طرح آمارگیری نیروی کار فصل پاییز ۱۳۹۵" نشان می‌دهد که سهم اشتغال در بخش‌های خدمات، کشاورزی و صنعت به ترتیب معادل ۵۰٫۶، ۱۷٫۳ و ۳۲٫۱ درصد بوده است. گاهی در دفاع از این نسبت‌ها اینگونه استدلال می‌شود که در کشورهای توسعه‌یافته غربی نیز سهم بخش خدمات در ایجاد ارزش افزوده و اشتغال، بیش از سایر بخش‌ها است. اما باید اذعان داشت که این طرز نگاه، دقت کافی و لازم را ندارد.^۱ نکته حائز اهمیت آن است که بخش خدمات در کشورهای صنعتی پشتوانه بخش صنعت است و به رشد و توسعه اقتصادی این

^۱هاچون چانگ اقتصاددان کره‌ای در کتاب "بیست و سه گفتار درباره سرمایه‌داری"، به این مساله اشاره دارد که بخش صنعت در کشورهای صنعتی به حدی بهره‌ور شده که قیمت‌های نسبی آن نسبت به سایر بخش‌ها به شدت کاهش یافته است و بهره‌وری و صرفه‌های ناشی از مقیاس باعث گردیده قیمت‌ها در این بخش نزولی شوند. در نتیجه در حساب‌های ملی ارزش آن کمتر نشان داده می‌شود. این مساله نه به دلیل کم‌اهمیتی بخش صنعت نسبت به خدمات که به دلیل بالا بودن بهره‌وری در بخش صنعت نسبت به سایر بخش‌ها است.

کشورها کمک شایانی می‌کند. این درحالیست که علی‌رغم بالا بودن سهم بخش خدمات در اقتصاد ایران (در تولید ناخالص داخلی و اشتغال)، این بخش نه تنها پشتیبان بخش صنعت نمی‌باشد، بلکه بخش اعظم آن معرف فعالیت‌های سوداگری، دلالی و واسطه‌گری است که قادر به ایجاد شغل پایدار و مولد نمی‌باشند و کارکرد توسعه‌ای برای کشور ندارند. بنابراین اگر کشورمان به دنبال حل معضل بیکاری و اشتغالی است، الزامیست توجه ویژه‌ای به بخش‌های تولیدی به ویژه بخش صنعت به عنوان محرک توسعه، داشته باشد.

جدول (۲): سهم اشتغال در بخش‌های عمده فعالیت‌های اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۷ (درصد)

سال	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
اشتغال در بخش کشاورزی	۲۱,۲	۲۰,۹	۱۹,۲	۱۸,۶	۱۸,۹	۱۸,۳	۱۷,۹	۱۸
اشتغال در بخش صنعت	۳۲,۲	۳۱,۸	۳۲,۲	۳۳,۴	۳۳,۶	۳۴,۳	۳۳,۸	۳۲,۵
اشتغال در بخش خدمات	۴۶,۵	۴۷,۳	۴۸,۶	۴۸	۴۷,۵	۴۷,۴	۴۸,۳	۴۹,۴

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج طرح آمارگیری نیروی کار طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۷

آمارها و شاخص‌های فوق‌الذکر گویای این حقیقت هستند که وضعیت بازار کار در کشور چندان مساعد نیست و عدم برقراری تعادل در این بازار موجب گردیده بیکاری به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های اقتصادی-اجتماعی کشور تلقی شود. نگاهی به ترکیب جمعیت بیکاران کشور نشان می‌دهد که جوانان، زنان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی قسمت اعظمی از بیکاران را تشکیل می‌دهند. با توجه به اینکه معضل بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب، سایر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، لذا ضروری است که موضوع ایجاد اشتغال پایدار و بهره‌مندی کارآمد و مناسب از نیروی انسانی، به عنوان یکی از اهداف راهبردی توسعه کشور در نظر گرفته شود و اقداماتی در راستای ساماندهی اشتغال با اولویت جوانان، زنان و دانش‌آموختگان دانشگاهی انجام شود.

نتیجه‌گیری:

با توجه به اینکه سال پیش‌رو از سوی مقام معظم رهبری تحت عنوان "اقتصاد مقاومتی: تولید و اشتغال" نام‌گذاری شده است، لذا اقدام اساسی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، تمرکز ویژه بر مسئله اشتغال مولد و پایدار می‌باشد. نکته قابل توجه این است که افزایش یا کاهش نرخ اشتغال به شدت متاثر از سایر عوامل اقتصادی به ویژه تولید است. لذا گام نخست برای دستیابی به اقتصادی مقاوم و افزایش اشتغال، اتخاذ رویکرد تولید محور در کشور است و لازمه تولید محور بودن یک اقتصاد، وجود چارچوب نهادی کارآمد و پشتیبان تولید می‌باشد. چراکه چارچوب نهادی ناکارآمد، سبب افزایش سهم فعالیت‌های غیرمولد در اقتصاد و کاهش انگیزه برای ورود به فعالیت‌های تولیدی اشتغالزای می‌گردد. زمانی که چارچوب نهادی ضدتولید است، سرمایه‌گذاران و بنگاه‌ها در راستای حداکثرسازی سود خود، به دنبال کسب رانت و درآمدهای بادآورده خواهند بود و تولید و اشتغال که باید مساله اصلی کشور باشند، به مسائلی حاشیه‌ای بدل می‌گردند.

از اینرو تا زمانی که بنیه تولیدی کشور تقویت نگردد و قاعده‌گذاری‌ها به نفع بخش‌های مولد صورت نگیرد، نمی‌توان انتظار تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و ایجاد اشتغالی پایدار و مولد را در کشور داشت.

منابع فارسی:

۱. امینی، علیرضا، (۱۳۹۴)، "تحلیل بازار کار و سیاست‌های اشتغالزایی اقتصاد ایران (با تأکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)"، مجله اقتصادی، شماره‌های ۵ و ۶.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، سه ماهه دوم سال ۱۳۹۵.
۳. چانگ، ها-جون، (۱۳۹۲)، "بیست و سه گفتار درباره سرمایه‌داری: پیرامون نکاتی که آنها را بروز نمی‌دهند"، مترجم: ناصر زرافشان، نشر مهر ویستا.
۴. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۹۵)، "با نمایندگان در مجلس دهم: بیکاری، اشتغال و بازار کار".
۵. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۹۴)، "عرضه و تقاضای نیروی کار در اقتصاد ایران: وضعیت موجود و چشم‌انداز آتی".
۶. دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۹۳)، "تحلیلی بر چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی".
۷. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۹۰)، "اشتغال و اشتغال‌زایی در اقتصاد کلان ایران: مفاهیم، دلالت‌ها و سیاست‌های مرتبط".
۸. دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۷۸)، "ارزیابی سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه اول و دوم".
۹. رنایی، محسن، (۱۳۸۴)، "ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور"، مجله اقتصادی، سال پنجم، شماره‌های ۴۹ و ۵۰.
۱۰. رنایی، محسن، صامتی، مجید و صادقی، حسن، (۱۳۸۷)، "جهانی شدن و اشتغال: بررسی کشورهای منتخب آسه‌آن و ایران"، نشریه نامه مفید، شماره ۶۶.
۱۱. سازمان توسعه تجارت ایران، گزارش عملکرد تجارت خارجی کشور، دهه ماهه سال ۱۳۹۵.
۱۲. شاکری، عباس، (۱۳۸۷) "اقتصاد کلان: نظریه‌ها و سیاست‌ها- جلد اول"، انتشارات پارس نویسا، چاپ اول.
۱۳. طایی، حسن، مشیری، سعید و پاشازاده، حامد، (۱۳۹۴)، "عوامل موثر بر نرخ مشارکت نیروی کار در بازار کار ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۲.

۱۴. طایبی، حسن، مشفق، زهرا و محمدی، تیمور، (۱۳۹۳)، "بررسی اثر حداقل دستمزد بر عرضه نیروی کار زنان"، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال نوزدهم، شماره ۳.
۱۵. طایبی، حسن، (۱۳۹۲)، "بسته‌سیاستی برای حکمرانی در بازار کار". گزارش تهیه شده در تیرماه ۱۳۹۲ برای ارائه به جناب آقای دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهور محترم و منتخب.
۱۶. طایبی، حسن، (۱۳۹۱)، "برنامه‌ریزی نیروی انسانی و مغایرت‌ها در شاخص‌های بازار کار"، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۶.
۱۷. طایبی، حسن، (۱۳۸۹)، "طرح تهیه اسناد توسعه اشتغال و سرمایه‌گذاری در سطوح ملی، دستگاهی و استانی: مبانی نظری اشتغال و بیکاری در توسعه اقتصادی"، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۱۸. طایبی، حسن، (۱۳۷۷)، "اشتغال و برنامه‌ریزی نیروی انسانی"، موسسه کار و تامین اجتماعی، مجموعه متون آموزشی - شماره ۳.
۱۹. کریمی، زهرا، (۱۳۸۵)، "موانع اجرای سیاست‌های اشتغال در ایران"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۲.
۲۰. مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۳۹۵.
۲۱. مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، (۱۳۹۵)، "گزارش ضرورت نگاهی عمیق‌تر به نرخ بیکاری و کاستی‌های آن"، بولتن بررسی مسائل روز اقتصاد ایران.
۲۲. مومنی، فرشاد، (۱۳۹۴)، "اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز"، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول.
۲۳. مومنی، فرشاد، (۱۳۹۰)، "آموزش نیروی انسانی متخصص و کارآمد، متناسب با نیازهای بازار کار"، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، گزارش میزگرد تخصصی سیاست‌های کلی اشتغال.
۲۴. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، (۱۳۹۴)، "شاخص‌های کلیدی بازار کار: روند ۱۰ ساله در ایران (۹۳-۱۳۸۴)".
۲۵. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، (۱۳۹۳)، "شاخص‌های کلیدی بازار کار در ایران".

منابع لاتین:

1. Borjas, George. Labor Economics, New York: McGraw-Hill Companies, 1996.
2. McConnell, Campbell [et al]. Contemporary Labor Economics, New York: McGraw- Hill Companies, 1999.





فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه‌شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟

□ عالی □ خوب □ متوسط □ ضعیف

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقید؟

□ بلی □ خیر

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه‌های بعدی بروشور چیست؟

.....

.....

.....

۴- از نظر شما در نسخه‌های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

.....

.....

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌نمایید؟

.....

.....

.....

